

## کارآفرینی از منظر ادیان توحیدی با تأکید بر نظام اقتصادی اسلام

حسن سبحانی<sup>۱</sup> - میثم احقاقی<sup>۲\*</sup> - اسماعیل نادری<sup>۳</sup>

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه تهران

۳. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۸/۲۳، تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۱/۱۶)

### چکیده

کارآفرینی به عنوان موتور رشد و توسعه‌ی سازمان‌ها و جوامع شناخته می‌شود، در واقع فرایند تأسیس یک شغل بر مبنای یک فکر و ایده‌ی نو و راهبردی می‌باشد. در این مقاله ضمن بررسی مقوله‌ی کارآفرینی و اهمیتی که برای وضعیت کنونی اقتصاد دنیا دارد، به نقش ادیان مختلف در امر کارآفرینی و مقایسه‌ی راه کارها و رهیافت‌هایی که این ادیان (با تأکید بر دین اسلام به عنوان کامل‌ترین و برترین دین الهی)، برای گسترش اشتغال و تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی برای جوامع دارند، پرداخته‌ایم و با توجه به این که از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام اقتصادی اسلام (همانند هر نظام اقتصادی دیگر) کاهش نرخ بیکاری و به تبع آن افزایش سرانه‌ی تولید و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی و نیز گسترش عدالت اجتماعی می‌باشد، مسأله‌ای که در این پژوهش به آن پرداخته شده بررسی نگرش ادیان الهی به مقوله‌ی کارآفرینی و به طور خاص نگاه اسلام به امر کارآفرینی است. پس از بررسی‌ها مشخص شد که ادیان آسمانی به ویژه اسلام به تشویق و تکریم مقوله‌ی کار و کارآفرینی می‌پردازند، در حالی که برخی از ادیان غیرتوحیدی هم چون بودیزم نه تنها نگرش مثبتی به این مقوله ندارند بلکه پیروان خود را از آن نهی می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی:** کارآفرینی، نظام اقتصادی اسلام، ادیان توحیدی، مقایسه‌ی تطبیقی

## مقدمه

بی‌شک روند توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته بیانگر این واقعیت است که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی می‌باشد، به گونه‌ای که کارآفرینان در توسعه اقتصادی این کشورها نقش محوری داشته و کشورهای توسعه‌نیافته هم اهمیت آن را در توسعه اقتصادی درک نکرده‌اند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد از جمله علل توسعه کشورهایمانند امریکا، ژاپن و آلمان، کارآفرینی می‌باشد (احمدپورداریانی و مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۴۳).

در نظام اقتصادی اسلام و در کلام معصومین (ع) به‌ویژه در نگاه پیامبر اعظم (ص) - که در امتداد آیات قرآن و خاستگاه وحی بوده - امور اقتصادی و مقوله‌ی کارآفرینی به‌عنوان بخش مهمی از زندگی آدمی، مورد توجه قرار گرفته است. در فرهنگ غنی اسلام و در حضور ارزش‌ها و عقاید الهی، فرهنگ تلاش، خلق کار و سهولت بخشیدن به زندگی و سطح معیشت هم‌نوعان، همواره مورد تمجید و سفارش بوده و یکی از ملزومات حیات طیبه قرار داده شده است.<sup>۱</sup> قرآن کریم انسان را موجودی کارآفرین می‌داند، که این ویژگی زمینه‌های کسب ثروت را در او ایجاد کرده<sup>۲</sup> و جمع‌آوری ثروت، به شرط ادای واجبات و دوری از قاعده‌ی نکوهیده‌ی کنز، مورد نکوهش نمی‌باشد.

با توجه به اهمیت کارآفرینی و نیز پذیرش اسلام به‌عنوان دینی کامل و جهان‌شمول که برای تمام مراحل زندگی انسان برنامه‌ی ویژه دارد، مسأله‌ای که در این پژوهش دنبال می‌کنیم بررسی نگرش ادیان مختلف به مقوله‌ی کارآفرینی و به‌طور خاص از نگاه اسلام به امر کارآفرینی بوده و با توجه به منابع دینی که اغلب منابع نقلی هستند، مورد موشکافی قرار داده و نیز تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام اقتصادی اسلامی و جریان قالب اقتصاد را در این‌باره بررسی می‌کنیم. در ضمن شیوه‌ی انجام این پژوهش کتابخانه‌ای می‌باشد.

۱. امام صادق (ع) سه چیز که همه مردم به آن نیازمندند را امنیت، عدالت، رفاه و فراوانی می‌داند (حرانی، ۱۳۹۴ه.ق).

۲. سوره‌ی مبارکه‌ی ملک، آیه ۱۵.

## مبانی نظری

### کارآفرینی

اقتصاددانان به بررسی این که چگونه جامعه منابع کمیاب مانند زمین، نیروی انسانی، مواد خام و ماشین‌ها را برای تولید کالاها و خدمات تخصیص می‌دهد، می‌پردازند. ریچارد کانتیلون<sup>۱</sup> (۱۷۳۰) اولین فردی بود که کارآفرین را به‌عنوان شخصی معرفی می‌کند که با قیمت ثابت می‌خرد و با قیمت نامعین می‌فروشد. از این رو به‌جای سود بالقوه به ریسک دست می‌زند. کارآفرین بیش‌تر از نظر فعالیت اقتصادی و نه از نظر نوع شخصیت شناخته می‌شود (احمدپورداریانی و مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۴۰). بنابراین کانتیلون کارآفرین را به‌عنوان کسی که ریسک متأثر از تغییر در تقاضای بازار را می‌پذیرد، می‌شناسد (Holcombe, 1999, PP 28). از نظر وی کسی که ریسک را می‌پذیرد با کسی که تأمین‌کننده‌ی سرمایه است فرق می‌کند (Prokopenko & Pavlin, 1991, PP 15).

با این وجود این گونه به‌نظر می‌رسد که، هنوز هم تعریف کامل و جامعی از واژه‌ی کارآفرینی که مورد پذیرش همه‌ی صاحب‌نظران باشد، ارائه نشده است. اما در این بین، مکتب اتریش مفهوم پویاتر و غنی‌تری از کارآفرینی ارائه می‌کند. براساس رویکرد این مکتب، کارآفرینان فرصت‌های نامتعادل بازار را کشف کرده و از آنها بهره‌برداری می‌کنند تا بازار به موقعیت تعادل برسد. "ژوزف شومپتر"<sup>۲</sup> که به‌عنوان پیشرو در زمینه‌ی کارآفرینی نام گرفته است، کارآفرین را فردی متفکر، جسور و رهبری الهام‌بخش می‌داند، که با ترکیب منابع اقتصادی در قالب روشی جدید، عدم تعادل اقتصادی ایجاد می‌کند (احمدپورداریانی و مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۴۱).

شومپتر به‌عنوان یکی از اقتصاددانان برجسته‌ی مکتب اتریش<sup>۳</sup>، کارآفرینی را مفهومی

۱. Richard Cantillon - اولین کسی که عوامل اقتصادی را به سه دسته مالکان زمین و عوامل اقتصادی دستمزددبگیر و عواملی که با قبول ریسک در بازار بورس فعالیت می‌کنند، تقسیم نمود.

2. Joseph Schumpeter

۳. Austrian School - مکتب اتریشی را گروهی از اقتصاددانان اتریشی اواخر سده‌ی نوزدهم میلادی در دانشگاه

ایده آل می‌داند که به‌عنوان موتور نظریه‌ی پویای توسعه‌ی اقتصادی ایفای نقش می‌کند. در این نگرش به نیروی خلاقانه، بینش، ایده‌ی کسب و کار، عدم تمایل به مدیران اداری غیرخلاق، مهارت و سوسه‌انگیز برای جلب سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران، توانایی اعمال ریسک برای حمله به موقعیت‌های ناشناخته توجه می‌شود؛ و تنوع وسیعی از نوآوری‌ها (محصولات یا فرایندهای جدید، دگرگون‌سازی محصولات، بازارهای جدید، تنوع‌سازی، مواد اولیه‌ی جدید یا ساختارهای بازارهای جدید) در آن به اجرا در می‌آید (Van De Ven, 1992, PP. 215). هرچند از نظر "شومپتر" میان کارآفرین و سرمایه‌گذار تفاوت وجود دارد، اما وی اعتقاد دارد افرادی موفق به کارآفرینی می‌شوند که پول کافی برای شروع یک فعالیت کارآفرینانه‌ی جدید را در اختیار داشته باشند (McCraw, 2007, PP. 178).

"کارآفرین شومپتر" عامل وظیفه‌مندی است که ترکیبات جدید را تکمیل می‌کند. او از الگوهای مقرر می‌گریزد و در نتیجه، گردش مدور قطع می‌شود. فرایند تخریب خلاق، وسیله‌ای می‌باشد تا یک اقتصاد با آن توسعه یابد. راه‌حل نه در نفس تصمیم‌گیری، بلکه در نوع تصمیم‌گیری قرار دارد و به ترکیبات جدید (کالاها، فرایندهای مولد متفاوت و ناظر بر آن) منجر می‌شود. کارآفرین هنگام تکمیل ترکیبات جدید، سود (مازاد دریافت‌ها نسبت به پرداخت‌ها) ایجاد می‌کند. "شومپتر" علت تغییر منظم و درونی اقتصاد بازار را در کارآفرین می‌دید.

گریو و سالاف<sup>۱</sup> در مورد شکل‌گیری فرایند کارآفرینی به نقل از وپلکن<sup>۲</sup> مراحل انگزش، برنامه‌ریزی و ایجاد را برمی‌شمارند.

وین بنیان نهادند. کارل منگر (Carl Menger)، فردریک فن ویزز (Friedrich Von Wieser) و بوهم باورک (Eugen Von Bawerk) از بنیان‌گذاران آن هستند.

1. Grave & Salaff  
2. Veplken

### کارآفرینی از منظر ادیان مختلف

به طور کلی نگرش‌های گوناگونی در مورد چگونگی تأثیر مذهب بر توسعه‌ی اقتصادی<sup>۱</sup> جوامع وجود دارد، از این رو سال‌هاست که پژوهش‌گران بر این باورند که باورهای دینی تأثیر قابل توجهی بر رفتار اقتصادی جوامع دارند (Audretsch, 2009, P,1). توسعه‌ی اقتصادی برای تحقق خویش، نیازمند رشد اقتصادی<sup>۲</sup> می‌باشد. نیروی انسانی از وجوه متنوعی می‌تواند بر رشد اقتصادی که زمینه‌ساز و پیش‌نیاز توسعه‌ی اقتصادی است، تأثیرگذار باشد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها رفتار کارآفرینانه‌ی وی می‌باشد. اما مسأله‌ی مهم‌تری که مطرح می‌شود آن‌که تفکرات، عملکرد و "تصمیم‌سازی"<sup>۳</sup> کارآفرینان در گروهی نگرش آن‌ها می‌باشد، و از آنجا که در ادیان مختلف تلاش می‌شود تا ذهنیت معتقدان به آن‌ها در سمت و سوی ایده‌ها و آرمان‌های مطلوب و واقعی جهت‌دهی شود، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که ادیان به طور بالقوه تأثیر زیادی بر پیروان خویش و تبدیل آن‌ها به انسان‌هایی که کارآفرینی می‌کنند، دارند. در واقع، دین در تعیین جهت و نوع تصمیم‌گیری کارآفرین تأثیر می‌گذارد، به طور مثال مشخص شده است که ادیان توحیدی مانند اسلام و مسیحیت بستر مساعدی را برای فعالیت‌های کارآفرین فراهم می‌کنند.

«ماکس ویر» به عنوان یکی از سه معمار عمده‌ی دانش اجتماعی<sup>۴</sup>، در مشهورترین اثرش در حوزه‌ی جامعه‌شناسی اقتصاد با عنوان «روح سرمایه‌داری و اخلاق پروتستانی»<sup>۵</sup>، فرهنگ و به صورت ویژه مذهب و دین را عاملی اثرگذار در پیشرفت فرهنگی تعیین کرده‌اند. بر این اساس وی خصیصه‌های ویژه‌ی پروتستانیزم زاهدانه (برخلاف مذهب کاتولیک) را سبب توسعه‌ی سرمایه‌داری، دیوان‌سالاری، دولت عقلانیت‌گرا و قانون‌مند در غرب می‌داند. ویر در تحلیل یافته‌های خود اظهار داشت که باورهای مذهبی برآمده از کالوین‌گرایی (و در ابعاد گسترده‌ترش پروتستانیزم) تأثیر عمده‌ای بر نوآوری اجتماعی و

1. Economic Development
2. Economic Growth
3. Decision Making

۴. در کنار امیل دورکیم و کارل مارکس

۵. که در واقع آغاز فعالیت‌های پژوهشی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی دین نیز محسوب می‌شود.

توسعه‌ی سامانه‌ی اقتصادی اروپا و ایالات متحده داشته است (Weber, 1905). پیروان آیین یهود هم نقشی پررنگ و ثابت در پژوهش بر روی جامعه‌شناسی کارآفرینی داشته‌اند. به‌ویژه این موضوع در پژوهش "بوناکیچ و ترنر"<sup>۱</sup> صادق است، آن‌ها تأثیر تجربه‌ی یهودیان را در توسعه‌ی "نظریه‌ی اقلیت واسطه‌گر"<sup>۲</sup> در «دنایای قدیم» مورد بررسی قرار دادند.

براساس آموزه‌های هندوئیسم هر انسانی به‌صورت «فرزند جاودانگی و بارقه‌ای از الوهیت» در نظر گرفته می‌شود. بنابراین هر فردی باید با این هدف زندگی کند که به درک حقیقت دست یافته و از تلاش برای دستیابی به اهداف مادی بپرهیزد. تقوی، درآمد، تمایلات و تلاش برای رهایی به منزله‌ی راهنمایانی در زندگی یک «هندو» در نظر گرفته می‌شوند. بدین صورت که در آموزه‌های هندوئیسم اشخاص باید توأم با تقوی به کسب معاش پرداخته و هدف غایی‌شان را رسیدن به آزادی «و یا به‌عبارتی درک نفس» قرار دهند.

### نگرش اسلام به مقوله‌ی کارآفرینی

اسلام، به کار و اشتغال اهمیت زیادی داده و بیکاری را به‌شدت نکوهش کرده است. قرآن کریم رهبران بزرگی هم‌چون حضرت سلیمان، داود و ذوالقرنین را مثال می‌زند که با تبحر زیاد و مانند کسانی که امروزه کارآفرین نامیده می‌شوند، ثروت فراوان تولید کرده و جامعه را هم به فعالیت ترغیب و در نتیجه آدمیان را (ضمن این که عدم تعلق به ثروت را در خود تعدیل کرده‌اند) از بطالت و بیکاری رها نمودند. در مقابل، از سودجویان و ثروت اندوزان مانند قارون، فرعون، ولیدبن مغیره و ابی‌لهب مثال می‌زند که عشق بیش از حد به انباشت سرمایه و ثروت، موجب سقوط آنها شده است.<sup>۳</sup> یعنی در قرآن کریم ذات تولید و ثروت پذیرفته شده و عاملان آن چنان‌چه شرایط کافی دیگر برای بهره‌مندی از نتایج کار

1. Bonacich & Turner

2. Middleman Minority Theory

۳. سبأ، آیه‌ی ۱۲-۱۳؛ کهف، آیه‌ی ۹۵ و ۹۸؛ سبأ، آیه‌ی ۱۰-۱۱؛ قصص، آیه‌ی ۷۹؛ یونس، آیه‌ی ۸۸؛ قلم، آیه‌ی ۱۲-۱۵؛ مدثر

آیه‌ی ۱۲؛ مسد، آیه‌ی ۱-۲.

خود را داشته‌اند، مورد تأیید قرار گرفته و الگو شده‌اند.

هم‌چنین گفته شده که «خداوند از بنده‌ی پرخواب و بنده‌ی بیکار به شدت متنفر است»<sup>۱</sup> و «کسی که بار خود را بر دوش دیگران بیافکند و از حاصل زحمات دیگران برخوردار شود ملعون می‌باشد»<sup>۲</sup>. با توجه به این که در آیات و روایات زیادی نکوهش از دنیاطلبی و ثروت و مال آمده، امکان دارد تصور شود که «ثروت» و یا «سود» در اسلام، بی‌ارزش و از نظر اخلاقی منفور و مطرود دانسته شده، اما با تدبیر در آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم‌السلام، روشن می‌شود که ثروت و یا سود، از نظر اسلام، به‌طور مطلق محکوم و مطرود شمرده نشده است، بلکه آن‌چه در منابع اسلامی در رابطه با نکوهش ثروت و به‌نوعی دنیاگرایی آمده، ناظر بر هدف مطلق قرار گرفتن ثروت و یا سود می‌باشد (قادری، ۱۳۸۶، ص ۳۶).

از نظر اسلام کارآفرین فرد تلاش‌گری است که با اتکا به قابلیت‌های خود و توکل به خداوند از حداکثر توانایی‌های جسمی، مادی و تخصصی‌اش برای منافع حلال خود در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، استفاده کند. یک کارآفرین می‌کوشد تا با قدرت، خلاقیت، ابتکار، تصمیم‌گیری به موقع، تکیه بر وجدان کاری و انضباط، همواره اطلاعات شغلی خود را تعمیق و توسعه داده و محیط کاری خود را به محیطی بهره‌ور، پویا و خداپسندانه تبدیل کند (همان، ص ۳۴).

به اعتقاد صاحب‌نظران، ریسکی که کارآفرینان می‌پذیرند، یک ریسک منطقی و حساب شده می‌باشد. به عبارت دیگر، کارآفرینان به دنبال قمار نیستند. مفهوم توکل با ریسک منطقی ارتباط بسیار نزدیکی دارد. گرچه در باور عمومی از توکل برداشت نادرستی شده است، اما مفهوم اصلی آن بیان می‌کند که هر کسی باید تلاش خود را برای رسیدن به هدف خویش انجام دهد و از ناامیتم‌ها و مشکلات نترسیده و به خدا توکل

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب مقدمات تجارت، باب ۱۷، ح ۴

۲. وسائل الشیعه، باب ۶، ح ۱۰

کند.<sup>۱</sup> یعنی اراده‌ی خداوند را در توفیق خودش در امور مختلف زندگی مطالبه کرده و بر این عنایت الهی آن‌چنان متکی باشد که گویی همه‌ی آنچه را که به موفقیت او برمی‌گردد در اختیار خدا قرار داده و او را وکیل در کسب این توفیق کرده است و از این رو با آرامش بسیار زیادی کوشش و تلاش می‌کند. در واقع توکل در اسلام به معنای پذیرش ریسک‌های منطقی و داشتن امید به خدا برای موفقیت است.<sup>۲</sup> برای کارآفرین مسلمان اعم از مرد و زن تلاش اقتصادی یکی از وظایف مذهبی تلقی می‌شود.<sup>۳</sup> داستان کسب و کار و تجارت حضرت محمد «ص» و حضرت خدیجه «س» و هم‌چنین تلاش‌های شبانه‌روزی حضرت علی «ع» در مورد حفر قنات و ایجاد نخلستان‌ها در اطراف شهر مدینه از مواردی است که می‌تواند برای کارآفرینان مرد و زن سرمشق قرار گیرد (همان، ص ۳۴).

### مروری بر ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق

پلتیو<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) با توجه به ظهور نهضت‌های اسلامی و اجرای برنامه‌های اقتصادی ناامیدکننده در کشورهای اسلامی، در مقاله‌ای با عنوان «مذهب، سیاست، توسعه: درس‌هایی برای کشورهای اسلامی» به بررسی این فرضیه که آیا دین می‌تواند منجر به

۱. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله گروهی را که کشت و کار نمی‌کردند، دیدند و فرمودند: شما چه کاره‌اید؟ عرض کردند ما توکل کنندگانیم. فرمودند: نه، شما سربارید (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷، ح ۱۲۷۸۹).

امام علی (ع) می‌فرماید: هر که بر خدا توکل کند دشواری‌ها برایش آسان شده و اسباب برایش فراهم گردد (غررالحکم ح ۳۸۸۸ ص ۱۹۷).

۲. امام رضا (ع) می‌فرماید: حد توکل چیست؟ حضرت فرمودند: اینکه با وجود خدا از هیچ کس نترسی (جهاد النفس، ح ۲۹۲).

۳. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: توکل کردن (به خدا) بعد از به کار بردن عقل، خود موعظه است (کنز العمال، ج ۳، ص ۱۰۳، ح ۵۶۹۶).

۴. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کار کردن برای کسب مال حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است (جامع‌الآخبار، ص ۱۳۸۹، ح ۱۰۷۹).

در نگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کار کردن، در ردیف جهاد در راه خدا آمده است. وی در این باره می‌فرماید: «هر کس از راه حلال، برای استغنائی خود و خانواده‌اش تلاش کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است و هر کس با تلاش و آبرو، در پی حلال دنیا باشد، در مرتبه‌ی شهدا خواهد بود» (محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰).



توسعه‌ی اقتصادی جوامع شود و یا این که خود تنها یک عامل درون‌زاست، می‌پردازد. اودرچ، بوانت و تاموادا<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در یک پژوهش میدانی به بررسی تأثیر ادیان بر توسعه‌ی اقتصادی و نیز تأثیر آن بر روی «تصمیم‌سازی» افراد جامعه پرداختند. آن‌ها در مقاله‌ی خود به نقش مذاهب در تشویق و یا عدم تشویق پیروان خود در گسترش و یا ممانعت از فعالیت‌های کارآفرینانه در کشور هند پرداختند. نتیجه‌ی آن بیان‌گر نقش مثبت مسیحیت و اسلام در گسترش کارآفرینی و نقش بازدارنده‌ی هندوئیسم در ترویج کارآفرینی بوده است.

نولند<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۵ در مقاله‌ای با عنوان «مذهب و عملکرد اقتصادی» به بررسی فرضیه‌ی خنثی بودن اثرگذاری دین در تغییر عملکرد اقتصادی پرداخت. جامعه‌ی آماری وی شامل کشورهای مالزی، هند و غنا بود و نتیجه‌ی این پژوهش رد فرضیه‌ی خنثایی تأثیر دین در تغییر عملکرد اقتصادی بوده است. باید گفت که نولند برخلاف انتظارش مبنی بر وجود یک رابطه‌ی مثبت بین نگرش اسلامی و افزایش عملکرد اقتصادی در همه‌ی کشورهای بررسی شده، به ضرایب معناداری دست یافت.

برو و مک‌کلری<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) در پژوهش خود به بررسی نقش اعتقادات مذهبی و حضور کلیسا، بر رشد اقتصادی در سطح بین‌الملل پرداختند. ایشان در بررسی‌های خود به نقش مثبت اعتقادات مذهبی و نقش منفی حضور کلیسا بر روی رشد اقتصادی کشورهای مسیحی دست یافتند. قادری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «کارآفرینی از دیدگاه اسلام» به بیان ویژگی‌های کارآفرین و نیز منطق اسلام درباره‌ی کارآفرین و کارآفرینی پرداخته‌اند.

### نگاه تطبیقی نظریه‌های کارآفرینی و آموزه‌های اسلامی

برای بررسی تطبیقی مباحث کارآفرینی و تعالیم اسلامی در این‌باره آنها را از دو منظر شخصیتی و کارکردی مطالعه می‌کنیم:

1. Audretsch, David B & Boente, Werner & Tamvada, Jagannadha Pawan
2. Noland & Marcus
3. Barro, Robert & McCleary, Rachel

## ویژگی‌های شخصیتی

پژوهش‌گران و اندیشمندان، فهرست‌های بسیاری از انواع ویژگی‌های شخصیتی کارآفرین را ارائه داده و هر یک ویژگی‌هایی را در فهرست خود برشمرده‌اند، لامپکین و دس (۱۹۹۶)<sup>۱</sup> عناصر کارآفرینی را در سه عامل زیر خلاصه می‌کنند:

- نوآوری: قائل به تجربیات نو، فرایندهای خلاق، به کارگیری عقاید جدید، که به فرایندهای فنی جدید، روش‌ها، خدمات و تولید جدید منجر می‌شود.
- ریسک‌پذیری: به کارگیری منابع در جاهایی که اطمینان آن کم‌تر و مخاطرات آن بیش‌تر می‌باشد.
- رفتار اثرگذار: رفتار اثرگذار عبارت است از اقدام برای پیش‌بینی مشکلات، نیازهای آتی یا تغییرات یک چشم‌انداز رو به جلو که برای تحقق آن نوآوری، عامل اساسی به حساب می‌آید (Lumpkin & Dess, 1996, PP. 8).

هم‌چنین تامپسون<sup>۲</sup> نیز ویژگی‌های کارآفرینان را این‌گونه بر می‌شمارد: (۱) متمایز از دیگران، (۲) بهره‌برداری مناسب از فرصت‌ها، (۳) توانایی جذب منابع لازم، (۴) ایجاد ارزش افزوده، (۵) داشتن شبکه‌های ارتباطی خوب، (۶) سرمایه‌گذاری مناسب، (۷) قدرت ریسک بالا، (۸) قدرت تصمیم‌گیری مناسب به‌هنگام مواجهه با مشکلات و (۹) خلاق و نوآور (Thompson, 1999, PP. 3).

هربرت و لینک<sup>۳</sup> صحبت از ۱۲ ویژگی کارآفرین می‌کنند. آن‌ها این ۱۲ ویژگی کارآفرین را در سطح اعتقادی و باورمندی مطرح می‌کنند که عبارتند از: ریسک‌پذیری، خوداتکایی، خلاقیت، قاطعیت، فناوری، مسئولیت‌پذیری، هماهنگ‌کننده، آغازگر، محصول‌گرا، فعال، با اعتماد به نفس و باهوش. جالب این‌که این دو پژوهش‌گر چهار ویژگی را در میان کلیه تعاریف، ثابت یافتند که این چهار ویژگی عبارتند از: ریسک‌پذیری، نوآوری، درک تغییر و عدم قطعیت (خنیفر، ۱۳۸۵، ص ۵۰ و ۵۱).

1. Lumpkin, G.T & Dess, Gregory. G  
 2. Thompson, J  
 3. Herbert & Link

شواهد و قرائن بسیاری در تعالیم و آموزه‌های اسلامی مبنی بر اهمیت و تشویق کارآفرینی در جامعه وجود دارد، در این میان آیات و روایات متعددی، سعی در تشویق و ترویج ویژگی‌های یک کارآفرین در بین اعضای جامعه می‌کنند و بر این اساس تفکرات دینی یک فرد می‌تواند در گسترش روحیه کارآفرینی وی بسیار تاثیرگذار باشد. در این میان می‌توان وجوه تقارن بسیاری را میان ویژگی‌های ارائه شده توسط هربرت و لینک و رهنمودهای اسلام در امور تربیتی مشاهده کرد.

اسلام در کنار اهمیت بسیاری که برای کار و تلاش قایل است بر ضرورت و اهمیت نوآوری، پیشرفت و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در فعالیت‌ها نیز تأکید می‌کند.<sup>۱</sup>

اسلام به ریسک‌پذیری به‌عنوان دومین عامل شخصیتی مشترک بیان شده توسط هربرت و لینک در فرد کارآفرین، و اهمیت آن، توجه بسیار کرده و انسان را از ترس و تزلزل نهی<sup>۲</sup> و به پذیرش ریسک منطقی در کار و زندگی تشویق می‌کند.<sup>۳</sup> البته اسلام از ترس منطقی به‌عنوان یک عامل جلوگیری‌کننده از شکست‌های احتمالی به نیکی یاد می‌کند و شجاعت را پیش‌بینی خطرات جدی در امور و شناخت راه مقابله‌ی با آن‌ها می‌داند، تا احتمالات نسنجیده و نامعقول و احتمالاتی که همیشه و در همه حال وجود دارند سد راه نشوند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۴، صص ۲۴۵-۲۴۴).

درباره‌ی "درک تغییر"، قرآن کریم به‌صراحت آغازگاه تغییر را خود انسان می‌داند و می‌فرماید: «خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند (و از نیکی به بدی شتابند)، و هرگاه خدا اراده کند که قومی را (به بدی اعمالشان) عقاب کند هیچ راه دفاعی نباشد و برای آنان هیچ کس را جز خدا یارای آن که

۱. پیامبر اکرم «ص» در خصوص "نوآوری" می‌فرماید: «خداوند بنده‌ی مؤمنی را دوست دارد که خود دارای حرفه و پیشه‌ی جدیدی باشد» (نهج الفصاحه، ش ۷۵۰).

۲. حضرت علی «ع» می‌فرماید: «اگر از کاری بیمناک هستی، خود را در آن درافکن، زیرا که ترس از هر کاری بزرگتر از خود کار است» (نهج البلاغه، قصار ۱۱۶۹).

۳. حضرت علی «ع» می‌فرماید: «اگر از چیزی واهمه داشتی توقف نکن و آن را انجام ده». (ولایی، ۱۳۷۸، باب الفاء)

آن بلا بگرداند نیست» (رعد، آیه ی ۱۱).

در تعالیم اسلامی بر توجه به وقایع، اتفاقات و رویدادهای محیط اطراف تاکید شده و از این آگاهی و توجه، به عنوان ابزاری برای بهبود عملکرد آتی، در صحنه ی کار و فعالیت شخص در زندگی نام برده است، افزون بر این اسلام از شناخت موقعیت کنونی به عنوان یکی از راه های کاهش ریسک در فعالیت ها یاد می کند.<sup>۱</sup> هم چنین به عدم قطعیت و متغیر بودن شرایط در طول زمان اشاره می کند و انسان را به انعطاف پذیری در برابر شرایط محیطی فرا می خواند.<sup>۲</sup>

### ویژگی های کار کردی

از میان مجموعه ی ویژگی های کار کردی که صاحب نظران برای کارآفرینان برشمرده اند، می توان به شش عاملی که توسط "بارتو"<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) به عنوان عوامل مشترک در نظریه های اقتصادی ارائه شده توجه کرد.

بارتو از "عامل معامله و کار اقتصادی" که "ریچارد کانتیلون" در سال ۱۷۷۰ برای نخستین بار به آن اشاره کرده است به عنوان نخستین عامل کار کردی نام می برد که مضمون آن نزدیکی بسیاری با تعالیم و آموزه های اسلام در باب زندگی و فعالیت های اجتماعی دارد. در حقیقت اسلام بار ارزشی بالایی را برای فعالیت های اقتصادی و تجاری قائل بوده و سعی بسیاری را نیز در ترویج آن داشته است و همواره از اهمیت آن سخن می گوید.<sup>۴</sup>

عامل دیگری که بارتو بیان می کند و برای نخستین بار توسط ژان باتیست سی در سال ۱۸۰۳ عنوان شد "عامل هماهنگ کننده" می باشد، می دانیم که نظم، هماهنگی و پذیرش هماهنگی در امور فردی و جمعی از جمله اصول اساسی در تعالیم اسلام می باشد که در

۱. امام علی علیه السلام: برای آگاهی انسان همین بس که زمان خود را بشناسد (منتخب میزان الحکمه، ص ۸۵۷).

امام صادق علیه السلام: کسی که زمان خود را بشناسد، آماج اشتباهات قرار نگیرد (منتخب میزان الحکمه، ص ۸۵۷).

۲. امام صادق «ع» می فرماید: «ما در شرایط متغیر زندگی می کنیم، پس در کار و تلاش برای دنیا چنان باش که گویی جاودانی و در برابر تغییر شرایط و بانگ رفتن چنان باش که گویی روانی» (ولایی، ۱۳۷۸، باب الدنيا).

3. Barreto, H.

۴. پیامبر اکرم «ص» می فرماید: "معامله و کار اقتصادی نیمی از زندگی است" (کنز الاعمال، المتقی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۹).

بسیاری از آیات و روایات به طور تلویحی قابل ادراک و در بسیاری از موارد نیز به آن تصریح شده است که از آن جمله می‌توان به این حدیث از حضرت علی «ع» اشاره کرد که می‌فرمایند: "به چیزی مشغول و هماهنگ باش که مسئول آن هستی".<sup>۱</sup>

در سال ۱۸۸۴ فردریک هاولی<sup>۲</sup> برای نخستین بار در مقاله‌ی خود ویژگی "عامل مالکیت محصول (دستاورد خویش)" را بیان می‌کند که بارتو از آن به عنوان یکی دیگر از عوامل کارکردی اساسی کارآفرینی یاد می‌کند. در اسلام استفاده از دسترنج خود و حفظ و حراست از آن، از جمله صفات موردپسند، و استثماری دسترنج دیگران از جمله صفات نکوهیده قلمداد شده و همواره انسان را از آن نفی کرده است.<sup>۳</sup>

اسلام برای نوآوری و خلاقیت در امور، ارزش بسیاری قائل بوده و از این رو جایگاه خاصی را برای نوآوری و نوآور بیان می‌کند.<sup>۴</sup> بارتو نیز "عامل نوآوری" را به عنوان یکی دیگر از عوامل مشترک کارکردی کارآفرینان بیان می‌کند و "ژوزف شومپتر" هم در سال ۱۹۲۹ برای نخستین بار از آن سخن می‌گوید.

از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار کارکردی دیگری که بارتو در باب کارآفرینی بیان می‌کند عامل "تصمیم‌گیری و محکم‌کاری" بوده که فرانک نایت<sup>۵</sup> در سال ۱۹۲۱ آن را مطرح کرده است. اسلام هم در آموزه‌های خود از ثبات در امور و انجام درست و کامل مسئولیت‌ها به نیکی یاد کرده و از آن به عنوان یکی از صفات پسندیده نزد خداوند نام می‌برد.<sup>۶</sup>

اسرائیل کرزنی<sup>۷</sup> عامل "واسطه بودن" را نیز از عوامل کارکردی مهم و تأثیرگذار پیرامون کارآفرینی می‌داند. در تطابق این عامل با آموزه‌های اسلامی می‌توان به حدیث:

۱. غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۴۵

2. Hawley, Fredrick

۳. پیامبر اکرم «ص» می‌فرماید: "پاکیزه‌ترین کار و محصول دستاورد خود فرد است" (نهج الفصاحه شماره ۲۳۲).

۴. پیامبر اعظم «ص» می‌فرماید: "سزاوارترین چیزی که فرد بدان نائل می‌شود، ساخته دست نوآور خویش است" (مصحح البیضاء).

5. Knight, Frank

۶. پیامبر (ص): "خداوند دوست دارد بنده وقتی اقدام به کاری می‌کند محکم و استوار باشد" (امالی صدوق، ص ۳۴۴).

7. Kirzner, Esrael

"مُروّت و جوانمردی در واسطه کردن در کار خویش است"،<sup>۱</sup> از امام حسن مجتبی (ع) اشاره کرد (احمدپورداریانی، ۱۳۸۰، ص ۱۴-۵).

با توجه به بررسی‌های انجام شده، مشاهده می‌شود که بین بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی و کارکردی اساسی در نظریات کارآفرینی و تعالیم و آموزه‌های اسلامی تطابق و تقارن وجود دارد.

به‌طور کلی انسان در منظر علوم تجربی، موجودی منفک از خدا و آموزه‌های وحیانی و بدون اصالت و مرجع تعیین ارزش‌هاست و پیوسته تابع امیال و لذت‌های خود می‌باشد<sup>۲</sup> (ایروانی، ۱۳۸۳، ص ۷). بر پایه‌ی همین طرز تفکر می‌باشد که در بسیاری از نظریات و فرض‌های اقتصادی جریان سرمایه‌داری متغیری بر مبنای اخلاقیات و دیدگاه‌های دینی تعریف نمی‌شود، از این‌روی و در راستای این نوع نگرش می‌توان نتیجه گرفت، هر چند کسانی که در بازار رقابت (بدون هیچ محدودیت اخلاقی)، بتوانند از دیگران پیشی بگیرند و در کار خود پیروز باشند به‌عنوان افرادی کارآفرین و موفق شناخته می‌شوند. اما اسلام بر این باور است که یک کارآفرین حق ندارد از طریق رشوه، بهره‌کشی، کلاه‌برداری، ظلم، تملّق و چاپلوسی و به‌طور کلی از راه نامشروع به کسب و کار و تولید پردازد.<sup>۳</sup>

### تفاوت‌های نگرش اسلام و نگاه جریان غالب اقتصادی به امر کارآفرینی

نظام اقتصادی اسلام مانند دیگر نظام‌های اقتصادی برای تولید اهمیت خاصی قائل است و رشد و پیشرفت تولید، و دست‌یافتن انسان به امکانات افزون‌تر را منطقاً در جهت زمینه‌سازی جانشینی خداوند بر زمین تلقی می‌کند. در عین حال اسلام هنگامی که مسأله‌ی

۱. امالی صدوق، ص ۳۴۴

۲. در مکتب سوسیالیسم که بر پایه‌ی «اصل ماتریالیسم» و «جبر تاریخ» استوار است (به غیر از مارکسیست‌ها که به اخلاق توجهی نداشتند) نیز این مسأله ممکن نیست گستردگی و ضمانت اجرایی داشته باشد.

۳. پیامبر اکرم اسلام (ص) می‌فرماید: کسب درآمد حلال، بر هر مسلمانی واجب است (کنز العمال، ج ۴، ص ۵، ح ۹۲۰۴). امام هادی (ع) در جای دیگری می‌فرماید: به راستی که حرام، افزایش نمی‌یابد و اگر افزایش یابد، برکتی ندارد و اگر انفاق شود، پاداشی ندارد و اگر بماند، توشه‌ای به سوی آتش خواهد بود (کافی، ج ۵، ص ۱۲۵، ح ۷).

رشد تولیدات را به عنوان ضرورت اجتماعی طرح می‌کند، تدارک آن را در چارچوب رعایت مسائل انسانی اعلام می‌کند (صدر، ۱۳۵۹، ص ۸۴). اما نظام سرمایه‌داری، حداکثرسازی سود را هدف می‌داند. به عکس، "اسلام هرگز ثروت‌اندوزی و فزونی تولید را یک آرمان نمی‌داند، بلکه آن را وسیله‌ی ایجاد رفاه و آسایش، و برپایی عدالت در حیات اجتماعی مردم معرفی می‌کند. رشد و افزایش تولید در نگرش اسلامی یکی از پایه‌های برپایی خلافت صالح است. این اختلاف، تفاوت‌های فراوانی را میان نگرش اسلام و دیگر مکاتب - در شیوه‌ی تولید - آشکار می‌کند."

تولید براساس "نیازهای مردم" و "فراوانی مواد لازم و کالاهای حیاتی برای زندگی افراد" انجام می‌شود. تأمین نیازهای مردم فریضه‌ای واجب (گرچه این کار را عرضه و تقاضای کالا آن‌طور که در جوامع سرمایه‌داری است، توجیه نکند) و از این رو برعهده‌ی تمامی افراد مسلمان بوده و در راه تأمین رضای خدا می‌باشد (صدر، ۱۳۵۹، ص ۴۳).

- تولید در نظام سرمایه‌داری با خطر تورم‌های ساختگی مواجه است. زیرا حرکت تولیدی در آن نظام تابع مقدار تقاضا بوده و تقاضا هم همیشه تقاضای حقیقی نیست. بلکه گاهی سفته‌بازان با خرید و انبار کردن کالاها تقاضای ساختگی به وجود می‌آورند. در نظام سرمایه‌داری تولید و عرضه‌ی کالاها با توجه به نیازهای موجود در جامعه و تقاضاهای موجود، انجام می‌شود. خواه نیاز مصرف‌کننده باشد، خواه واسطه، و به‌طور کلی در نظر آنان خریدار مهم‌تر است، حال هر که باشد تفاوتی نخواهد داشت. نظام سرمایه‌داری برای افزایش تقاضای مشتری از شیوه‌های گوناگون استفاده می‌کند و آن‌گاه که نیاز را در تقاضاکننده ایجاد کرد، کار تولیدی را آغاز و استمرار می‌دهد، هرچند که آن کالا مورد نیاز خریدار نباشد. این نظام توجهی به حجم کالای مورد نیاز نداشته و مقدار واقعی کالای مورد نیاز خریدار را در نظر نمی‌گیرد. در نتیجه با تراکم کالای تولید شده در انبارها و بحران تولید به وجود می‌آید تا جایی که تولیدکنندگان و سرمایه‌داران را مجبور به توقف تولید می‌کند. گاه، بحران به اندازه‌ای شدید می‌شود که سرمایه‌داران برای ایجاد توازن میان عرضه و تقاضا مقدار زیادی از کالاهای تولید شده را از بین می‌برند (همان، ص ۴۴).

- در اسلام، اقتصاد جدای از اخلاق نیست و کارهای تولیدی باید براساس شرافت انسانی و ارزش‌های معنوی و حقوق طبیعی یک انسان مسلمان باشد. بنابراین در نظام اقتصادی اسلام، تولید کالاهایی که منجر به گسترش ارزش افزوده و ثروت نمی‌شود ممنوع است. همین‌طور اسلام با فدا کردن تمام ارزش‌های انسانی در راه مصالح تولید (همانند استثمار زنان و کودکان در کارهای تولیدی با کم‌ترین مزد و اجرت) مخالف بوده و هرگونه شیوه‌ی تولید فسادانگیز را محکوم می‌کند (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۱۰).
- اسلام مخالف تولید و فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای است که منجر به تقویت دشمنان شود. از آن جمله می‌توان به فروش سلاح به دشمنان دین، و هرگونه خرید و فروشی که منجر به تقویت بنیه‌ی نظامی یا اقتصادی یا فرهنگی دشمن و تضعیف بنیه‌ی نظامی، اقتصادی، فرهنگی خودی شود، اشاره کرد (همان، ص ۲۱۱).
- فعالیت در زمینه‌ی تولید یا خرید و فروش و مبادله‌ی موادی که استعمال آن‌ها برای بشر زیان دارد، همانند: تولید شراب، آلات قمار و غش ممنوع است (همان، ص ۲۱۱).
- نظام اقتصادی اسلام مخالف تولید کالاهایی می‌باشد که منجر به گسترش تجمل، اسراف، بیهوده‌کاری و انحراف اخلاقی می‌شود (صدر، ۱۳۵۹، ص ۴۳).

### بحث و نتیجه

در بررسی‌های انجام شده، مشاهده می‌شود که برخی از ادیان مانند یهودیت، مسیحیت و اسلام از کارآفرین و کارآفرینی حمایت کرده و پیروان خود را به گسترش کارآفرینی تشویق می‌کنند. هم‌چنین بررسی‌های انجام شده در بسیاری از منابع اسلامی، برخلاف باور بسیاری که از کارآفرینی (نوآوری) به‌عنوان بدعتی در دین اسلام یاد می‌کنند، به کارآفرینی اشاره شده و حتی از آن به‌عنوان فریضه‌ای دینی یاد شده است. حتی بسیاری از جهات کارآفرینی تعریف شده در اسلام با نظریه‌های کارآفرینی در نظام سرمایه‌داری مطابقت داشته و راه کارهای تشویقی زیادی را در قالب فرامین دینی برای گسترش و تقویت فعالیت‌های کارآفرینی و گسترش سطح تولید ارائه داده است، با این تفاوت که اسلام چارچوبی برای کارآفرینی و تولید متصور می‌باشد که البته این به معنای مخالفت با



افزایش کارآفرینی و خلاقیت در سطح جامعه نیست، بلکه تنها به جهت‌دهی این فعالیت‌ها می‌پردازد.

بنابراین، براساس دستاوردهای این مطالعه، می‌توان به ارائه‌ی چند پیشنهاد پرداخت؛ نخست این که با بهره‌گیری از مضامین و چارچوب‌های تعیین شده توسط نظام اقتصادی اسلام، می‌توان زمینه‌ی لازم برای رشد و گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه و به تبع فراهم شدن بسترهای مورد نیاز جامعه به منظور حصول رشد اقتصادی هرچه بیش‌تر را فراهم کرد. دیگر این که، رویکرد به کار گرفته شده در این مطالعه را نیز می‌توان به سایر متغیرهای اساسی جامعه، تعمیم داد و درنهایت این که، بر این اساس، یک چارچوب و اسلویی هدفمند طراحی و تدوین کرده تا بر پایه‌ی رهنمودهای نظام اقتصادی اسلام، بتوان موجبات سعادت و پیشرفت جامعه را فراهم کرد.

## منابع

- ابن ابی الحدید (۱۳۸۲هـ.ق). "شرح نهج البلاغه"، پژوهش محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، قاهره: دارالحیاء الکتب العربیه.
- احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۰)، "کارآفرینی: تعاریف، نظرات و الگوها" شرکت پردیس ۵۷.
- احمدپورداریانی، محمود و مقیمی، سید محمد (۱۳۸۵)، "مبانی کارآفرینی"، انتشارات دانشگاه تهران.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۷۸)، "مدیریت عمومی"، نشر نی.
- ایروانی، جواد (۱۳۸۳)، "اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث"، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۳.
- پونتوس برونرهللم (۱۳۸۹)، "کارآفرینی، دانش و رشد اقتصادی"، مترجم افشین حیدرپور. انتشارات پژوهشکده پژوهش‌های راهبردی.
- حرانی، ابومحمد (۱۳۹۴هـ.ق)، "تحف العقول عن آل الرسول (ع)"، قم، منشورات مکتبه بصیرتی.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۵)، "کارآفرینی در نظام ارزشی"، ناشر؛ ایران‌نگین، مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران. پردیس قم.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، "مبانی اقتصاد اسلامی"، انتشارات سمت.
- رضی، شریف (۱۳۰۶هـ.ق)، "خصایص الاثمه (ع) خصایص امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع)"، لبنان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- صدر، محمدباقر (۱۳۵۹)، "طرح گسترده اقتصاد اسلامی"، ترجمه‌ی فخرالدین شوشتری. چاپ پرتو.
- صمدآقایی، جلیل (۱۳۷۸)، "سازمان‌های کارآفرین"، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۵)، "المیزان فی تفسیر القرآن"، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قادری، اسماعیل (۱۳۸۶)، "کارآفرینی از دیدگاه اسلام"، نشریه مدیریت در اسلام شماره ۱۰.

قدیری اصلی، باقر (۱۳۶۸)، "سیر اندیشه اقتصادی"، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم. محمدی ری شهری، محمد و شیخی، حمیدرضا (۱۳۸۵)، "منتخب میزان الحکمه"، نشر دارالحدیث.

مردیت، جفری و نلسون، رابرت و نک، فیلیپ (۱۳۷۱)، "کارآفرینی"، ترجمه محمدصادق نبی‌نیا. انتشارات مؤسسه کار و تامین اجتماعی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، "نظری به نظام اقتصادی اسلام"، انتشارات صدرا.

مقیم، سید محمد (۱۳۸۴)، "کارآفرینی در سازمان‌های دولتی"، انتشارات فراندیش.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، "اخلاق در قرآن"، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، ج ۲.

Audretsch, David B. (2009). "Religion, Culture and Entrepreneurship in India", International Public Affairs Conference

Audretsch, David B & Boente, Werner & Tamvada, Jagannadha Pawan (2007). "Religion and Entrepreneurship", JENA Economic Research papers 2007-075

Barreto, H. (1989). "The entrepreneur in macroeconomics theory: Disappearance and explanation", London, Routledge pub. Co.

Barro, Robert & McCleary, Rachel (2003). "Religion And Economic Growth", Harvard University, April 8

Butler, John Sibley (2005). "entrepreneurship and self-help among black Americans", publisher: SUNY press

Grave, aren't & Salaff W. Janet (2003). "publishing social networks and entrepreneurship", publisher: black well, issue 1, volume 28

Holcombe, Randall G. (1999). "15 great Austrian economists", LUWIG VON MISES institute

Jennings, DF (1994). "multiply perspectives of entrepreneurship", South Western Publishing, Ohio.

Kendrick, John W. (1956). "productivity trends: capital and labor", the review of economics and statistics, Vol. 38, No. 3, published By: MIT Press.

Kendrick, John W. (1979). "Increasing productivity", Proceedings of the academy of political science, Vol. 33, No. 3

Lumpkin, G.T & Dess, Gregory. G (1996). "Clarifying the Entrepreneurial Orientation Construct and Linking It to Performance", The Academy of

- Management Review, Vol. 21
- McCraw, k. Thomas (2007). "*Prophet of Innovation*", The Belknap Press of Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts, and London, England
- Noland, Marcus (2005). "*Religion and Economic Performance*", World Development Vol. 33, No. 8.
- Platteau, Jean-Philippe (2008). "*Religion, politics, and development: Lessons from the lands of Islam*", Journal of Economic Behavior & Organization 68
- Prokopenko, Joseph & Pavlin, Igor (1991), "*Entrepreneurship development in public enterprises*", Geneva: International Labour Office
- Sadler, Robert (2001), "*A Framework for the emergence of entrepreneurship and innovation in Education*", Monash University: conference paper
- Stieglitz, Joseph (2009), "*selected works of Joseph E. Stiglitz*", Oxford university press
- Stoner, James & Freeman, Edward & Gilbert, Daniel (1995), "*management*", 6th ed. Englewood Cliffs, New Jersey: prentice hall
- Thompson, J. (1999), "*The world of the entrepreneur – a new perspective*" Journal of workplace learning, 11 (6)
- Van de Ven, Andrew (1992), "*The state of the art of entrepreneurship methods for studying the process of entrepreneurship*", Boston: pws KENT publishing colongitueinan in sexton & kasarde
- Weber, Max (1905), "*The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*", Published: Unwin Hyman, London & Boston.